

خانواده آرمانگردد قرآن کریم

برگرفته از مقاله:
«تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»
منبع: کتاب زنان، شماره ۲۶
نویسنده: اکرم حسینی

معروف است که اگر برنامه یک ساله دارید، گندم بکارید؛ اگر برنامه ده ساله دارید، درخت بکارید و اگر برنامه صد ساله دارید، انسان بسازید. تربیت انسان با موازینی که خالق او می‌طلبد و هدایت فرموده است، سرمایه‌گذاری صد ساله، بلکه ابدی است. «... و من احياءها فكأنما احياء الناس جميعاً...» (مائده، ۳۲). تربیت انسان از نگاه قرآن، احیای او و دمیدن جان الهی در کالبد اوست. محیط تحقق این مهم، خانواده است. خانواده‌ای که زمینه پرورش انسان قرآنی در آن فراهم آمده است. «والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربّه والذی خبث لا یخرج الا نکدأ» (اعراف، ۵۸)، از سرزمین پاک و طیب، ثمره‌ای نیک به اذن پروردگار خارج می‌شود و از زمین آلوده و شوره‌زار، حاصلی ناقص و فی‌فایده خارج خواهد شد. بنابراین خانواده آرمانی قرآن، خانواده‌ای است که آماده پذیرش و پرورش انسان است.

خانواده‌ای که قرآن کریم تربیت می‌کند، حدود و وظایفش را تعیین می‌نماید و توصیه‌های لازم را برای روابط متعالی بین زن و مرد بیان می‌دارد، با مؤلفه‌های زیر شناخته می‌شود: توحید محوری و جلب رضای حق، عدالت‌جویی و برقراری قسط، اخلاق‌مداری، وظیفه‌مندی، رعایت اصل صلح و احسان، گذشت و محبت، مشورت و مصلحت‌اندیشی.

مبانی روابط در خانواده آرمانی

زیربنای ساختار کلی خانواده آرمانی قرآن، دو رکن اساسی اخلاق و حقوق است که با آشنایی همه جانبه اعضا و حاکمیت این دورکن، استواری و پویایی این بنا تضمین می‌شود. چرا که رکن حقوقی، ضامن برپایی و استواری اصل خانواده و مانع از فروپاشی آن است و رکن اخلاقی ضامن رشد و بالندگی و تأمین اهداف خانواده

می‌باشد.

خانواده یک نظام کاملاً تألیف شده و به هم تنیده است؛ به طوری که تفکیک بعضی مسائل که در محیطها و مجموعه‌های دیگر ممکن است، در این فضای خاص ممکن نیست. از آن جمله: تفکیک دو مقوله «تکالیف حقوقی» و «وظایف اخلاقی» است. زیرا نظام حقوقی و نظام اخلاقی خانواده، کاملاً بر یکدیگر منطبق است و حوزه عملیاتی آنها واحد می‌باشد. رعایت اخلاق در خانواده، وظیفه همه اعضا است و تأمین حقوقی اعضا نیز امری اخلاقی و شایسته است. بنابراین نمی‌توان امری اخلاقی را در خانواده، جدای از حق افراد قلمداد کرد و آن را فضل نامید؛ زیرا فرض و واجب است؛ نه فضل. در خارج از محیط خانواده، مرز حقوق و اخلاق تا حدودی متمایز است؛ مثلاً عدم تواضع در برابر دیگران در خارج از خانواده، امری غیراخلاقی است؛ اما غیرحقوقی نیست؛ یعنی تجاوز به حریمی قلمداد نمی‌شود یا خشن و زبر صحبت کردن، مجازاتی نمی‌طلبد. اما همین امور در خانواده با حقوق خانوادگی افراد تلاقی دارد. هم‌نشینی در خانه، باید نمایی از بهشت برین در آخرت باشد؛ یعنی کانون «لا یسمعون فیها لغواً و لا تأثیماً الا قیلاً سلاماً سلاماً» (واقع، ۲۴-۲۶). زندگی خانوادگی، صرفاً باحضور در خانه یا خانه‌داری یا انجام چند فعالیت دسته جمعی محقق نمی‌شود؛ بلکه واقعاً زمانی تحقق می‌پذیرد که با مبادله، اندیشه‌ها، احساسات، بحث و گفت‌وگو بشود همراه شود (رک، کازنو، ۱۳۷۳).

حقوق و اخلاق در خانواده، دایره وسیعی از مباحث حقوقی و اخلاقی را به خود اختصاص داده است. در قرآن کریم نیز بخش عمده‌ای از آیات متعلق به حقوق افراد در خانواده و رعایت اخلاق در برخوردها و تعاملات خانوادگی است.

مبانی حقوقی و اخلاقی در روابط خانواده آرمانی

مجموعه قوانین حقوقی خانواده قبل از ازدواج تا تشکیل خانواده و حتی در مرحله جدایی، تحکیم حقوقی خانواده را تضمین می‌کند. شرط صحت عقد و وقوع زوجیت، اقرار طرفین به رضایت در قرارداد عقد است. قرابت خطبه عقد در اسلام این واقعیت را آشکار می‌کند. طرفین با قرابت خطبه، زوجیت را می‌پذیرند؛ لذا واجب است که خواست خود را واضح به زبان بیاورند یا توسط وکیلی از جانب خود اعلام کنند. در این امر، میان زن و مرد تفاوتی نیست. بنابراین از ابتدا عقل، اراده و تعهد اخلاقی بین زوجین است که پایداری این قرارداد را ضامن می‌شود؛ از این رو بنای حقوقی خانواده از آغاز براساس یک تصمیم عاقلانه و یک تعهد اخلاقی پایه‌گذاری می‌شود. با اقرار به زوجیت، طرفین عهده‌دار تعهداتی حقوقی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به یکدیگر می‌شوند. این تعهدات دوسویه است؛ یعنی هر یک علاوه بر آن که وظایفی را بر عهده می‌گیرند، حقوقی را از دیگری مطالبه می‌کنند. عمده این تعهدات عبارت‌اند از: حسن معاشرت، روابط زناشویی و جلب رضایت طرفین، نفقه، مهریه، اجرت‌المثل، توافق در داشتن فرزند و تکمیل این‌ها و ده‌ها تکلیف و وظیفه خرد و کلان دیگر که اصول آن براساس آیات قرآن کریم در قانون اساسی و حدود قانونی و اجرایی آن در قوانین مدنی و غیره آمده است، همه برای تعیین مرزها و محدوده اختیارات و انتظارات زوجین می‌باشد که برای پایداری خانواده و اساس تحکیم روابط، رعایت آن لازم است. اما روابط صحیح و محکم در خانواده

تنها حفظ مرزها و حرکت بر روی خطوط تعیین شده نیست؛ آن چه از تعامل حقوقی و اخلاقی زن و مرد در همه موارد، یک خانواده پایدار و پویا می‌سازد، رعایت توصیه‌هایی است که قرآن کریم بر آن‌ها تأکید می‌فرماید:

۱- «هَنَ لِبَاسٍ لَكُمْ وَ اَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ» (بقره، ۱۸۷). زوجین در حکم لباس برای یکدیگرند. اگر برای تأمین اهداف کلی خانواده تنها همین توصیه مراعات شود، کافی است که زن و مرد لطیف‌ترین روابط را با یکدیگر داشته باشند و در سایه آن مطلوب‌ترین فضای زندگی را برای افراد خانواده فراهم کنند. زیرا ارتباطی که انسان با لباس خود دارد، نزدیک‌ترین، محرمانه‌ترین و بی‌آزارترین روابط است. این تشبیه در هیچ امر دیگری جز رابطه زن و شوهر مصداق ندارد؛ حتی در رابطه والدین و فرزندان.

۲- «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (نساء، ۱۹). از جمله اصولی که قرآن کریم در کنترل رفتارهای انسان‌ها نسبت به یکدیگر به کار می‌برد، اصل «معروف» است که در قرآن کریم ۹ بار تکرار شده است. بیش‌ترین استعمال آن در حادترین مرحله روابط زن و شوهر است. هنگام طلاق است: «وَأَمْرُوا بِنِكَاحٍ بِالْمَعْرُوفِ...» (طلاق، ۶). «روابط میان خودتان را با رفتارهای پسندیده و مورد پذیرش عرف، نیکو گردانید».

«وَ لِهِنَّ مِثْلَ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸). و «برای زنان همانند مردان چنان که وظایفی شناخته شده، حقوقی معین و مقرر شده است».

«... فَأَسْكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (بقره، ۲۳۰). وقتی که دیگر امید بازگشت عاطفه، عشق و تداوم زندگی نیست، به دو نحو می‌توانید عمل کنید: امساک به معروف یا جدایی به معروف.

«وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۳۳). «هزینه مادر در امور خوراک و پوشاک بر عهده کسی است که فرزند از اوست؛ در حد معروف و پسندیده».

زیباترین نکته در آیات مذکور و اصل قرآنی «معروف» آن است که در تمام مراحل زندگی زناشویی از ابتدا تا انتها چه در شرایط عادی و چه در شرایط بحرانی، آن چه مورد نظر خداوند است، حفظ ارزش‌های اخلاقی، تحت عنوان معروف (آن چه نفس سالم انسان به طور عموم می‌پسندد) می‌باشد و خشونت، اهانت و کم‌لطفی در خانواده قرآنی پسندیده نیست.

۳- «فَإِنْ حَفِظْتُمُ الْاَیْقِیْمَا حُدُودَ اللَّهِ، فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهَا فِی مَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ، فَاولئک هم الظالمون» (بقره، ۲۲۹). هدف از وضع احکام و تمامی هدایت‌های الهی توسط انبیاء اولیا و مریدان



رعایت حدود الهی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است. خداوند در آیاتی از قرآن کریم به این اصل اشاره می‌کند. نکته قابل توجه در این اشارات آن است که این آیات عموماً در مواضعی است که معمولاً بندگان رعایت نمی‌کنند، مثل زمان طلاق. در آیات طلاق چندین بار واژه «حدودالله» و چندین تعبیر بازدارنده دیگر نظیر «واعلموا ان الله بکل شیء عليم» (بقره، ۲۳۱)، «ان الله بما تعملون بصیر» (بقره، ۲۳۷)، «والله بما تعملون خبیر» (بقره، ۲۳۴) و... به کار رفته است.

خداوند در آیه ۲۲۹ سوره بقره، برای هدایت جریان طلاق در محدوده اخلاق، سه بار به رعایت حدودالله تذکر می‌دهد و می‌فرماید: «هر کس از حدود الهی تجاوز کند، از ظالمین است.» «الطلاق مرتان، فامساک به معروف او تریح باحسان.» مردان را بعد از طلاق بین دو امر مخیر کرده است: «امساک به معروف» یعنی نگهداشتن همسر که همان رجوع در عده است یا «تسریح به احسان» یعنی رها کردن او تا از عهده خارج شود. (رک. طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۳۵۰). خداوند این دو عمل را که در استثنایی‌ترین روابط میان زن و مرد است، نیز به معروف و احسان مقید کرده است. حرمت فضای خانه، به حدی است که در هر شرایطی، اهانت، آزار دیگری و هر عمل ناپسند و غیرمعروف دیگری در آن جای ندارد و باید این حرمت به بهترین شکل حفظ شود.

«چه بسا بتوان از آیه شریفه بویی از عدم جواز تفرقه میان احکام فقهی و معارف اخلاقی استشمام کرد و می‌توان گفت که آیه اشعاری هم به این معنا دارد که صرف عمل به احکام فقهی و جمود به خرج دادن بر ظواهر دین، کافی نیست. پس اکتفا نمودن بر عمل به ظواهر دین و رعایت نکردن روح آن، باطل کردن مصالح تشریح و از بین بردن غرض دین است، چون اسلام دین عمل است، نه دین حرف و شریعت، کوشش است نه فرض...» (همان، ص ۲۵۴).

نتیجه آن که در میان کارهایی که انسان انجام می‌دهد، یک سلسله مناطق ممنوعه وجود دارد که ورود به آن‌ها فوق‌العاده خطرناک است. قوانین و احکام الهی این مناطق را مشخص می‌کند و حتی از نزدیک شدن به این مرزها نهی می‌نماید. «تلك حدود الله فلا تقربوها» (بقره، ۱۸۷). زیرا نزدیک شدن به این مرزها انسان را بر لب پرتگاه قرار می‌دهد، روابط حاکم بر خانواده را تهدید می‌کند و با اندکی غفلت، حدود الهی نادیده گرفته می‌شود و ظلم که موجب خشم خداوند است، واقع می‌شود. «و من يتعد حدود الله فأولئك هم الظالمون» (بقره، ۲۲۹).

هدف خانواده آرمانی

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهها و جعل بینکم مودة و رحمة» (روم، ۲۱). «یکی از نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفریده تا وسیله سکون و

آرامش شما باشد و در میان شما دوستی و رحمت قرار داده است.» زوجیت در قرآن کریم به انسان، حیوان و سایر موجودات نسبت داده شده و از آیات الهی برشمرده شده است، اما تفاوت انسان و حیوان در زوجیت دو چیز است:

- زوجیت در حیوانات (به جز چند گونه آن‌ها) به تشکیل خانواده نمی‌انجامد؛ در حالی که در انسان بلااستثنا با هدف تشکیل خانواده انجام می‌گیرد.

- گرچه زوجیت در مورد حیوانات نیز مانند انسان وجود دارد و به تولید نسل می‌انجامد، اما جفت‌گرایی در آن‌ها ایجاد مودت و رحمت نسبت به یکدیگر را در پی ندارد.

آیه فوق، تنها هدفی را که برای تشکیل خانواده بر می‌شمرد، «تسکین زوجین» است. گرچه در سایه این آرامش مواهب دیگری نصیب انسان می‌شود و اهداف نسبی دیگری حاصل می‌گردد، اما خلقت انسان به نوعی است که اگر همه مواهب اعم از فرزند، تأمین نیازهای مادی و... را در زوجیت بیابد، ولی سکون و آرامش نداشته باشد، انگیزه‌ای برای تشکیل خانواده نخواهد داشت و خود را کامیاب نمی‌بیند. «در محیط خانواده، اگر فقط روابط جسمی و واکنش‌های فیزیکی مطرح باشد و بس، روح‌ها سرگردان می‌مانند و در تمام عمر در حسرت ناکامی می‌سوزند و می‌سازند و بی‌تردید، هرگاه روح‌ها ناکام و حسرت زده باشند، جسم‌ها نیز پریشان و ناتوان‌اند» (بهشتی، ۱۳۷۷: ص ۴۱). با توجه به آیه ۲۱ سوره روم که هدف از خلقت زوج، سکونت ذکر شده است و نیز از آیه ۴ سوره فتح، این نکته به دست می‌آید که رابطه‌ای مستقیم میان نزول سکینه و ازدیاد ایمان وجود دارد. زوجیت نیز که تأمین‌کننده آرامش حقیقی در زن و مرد است، محملی دائمی برای افزایش ایمان و نزدیکی به خداوند است. یعنی این امر الهی در صورتی که با نیت قرب الی الله برپا شود و دوام پیدا کند، سراسر عبادت حق خواهد بود. نتیجه آن که باعنائیت به هدف اصلی از خلقت انسان، یعنی «عبادت»، برحسب آیه «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۶)، هدف حقیقی از تأسیس خانواده، همان هدف متعالی خداوند در خلقت انسان است که به حاکمیت توحید در جامعه خواهد انجامید.

منابع:

- قرآن کریم
- بهشتی، احمد (۱۳۷۷). خانواده در قرآن. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کازانو، ژان (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: اطلاعات.

پی‌نوشت:

- ۱- «هو الذي نزل السكينة فقلوب المؤمنين ليزدادوا ايماناً مع ايمانهم». و خداوند آن کسی است که آرامش را در قلوب مؤمنین نازل کرد تا بر ایمان آنان افزوده شود.